

## لباس مناسب بپوشید!

موعظه ی یکشنبه ی KANTATE کولسیان باب 3 آیات 12 الی 17

پس شما که برگزیدگان مقدس و محبوب خدا هستید، خود را به دلسوزی، مهربانی، فروتنی، ملایمت و بردباری ملبس سازید. متحمل یکدیگر شوید. اگر از دیگران شکوه و شکایتی دارید، یکدیگر را عفو کنید و چنانکه خداوند شما را بخشیده است، شما نیز یکدیگر را ببخشید. به همه اینها محبت را اضافه کنید، زیرا محبت همه چیز را به هم می پیوندد و تکمیل می کند. آرامشی که مسیح به شما می بخشد، قاضی وجدان شما باشد؛ چون خدا شما را به عنوان اعضای یک بدن به این آرامش



خوانده است و شما باید سپاسگزار باشید. اجازه بدهید که پیام مسیح با تمام پُری آن سرتاسر وجود شما را فرا گیرد. یکدیگر را با نهایت خردمندی تعلیم و پند دهید و با سپاسگزاری در دل‌های خود زبور، تسبیحات و سرودهای روحانی برای خدا بخوانید. هرچه می کنید، چه گفتار، چه کردار، همه را به نام عیسی خداوند انجام دهید و در عین حال خدای پدر را دائماً سپاس گوئید.

چه اتفاقی خواهد افتاد اگر من به بیمارستان نیاز داشته باشم و دکتر را در لباس شنا ببینم. قطعاً من کورکورانه به این دکتر اعتماد نخواهم کرد. شاید اصلاً اجازه ندهم که این دکتر من را درمان و یا معاینه کند. به طور حتم می تواند بدتر باشد هنگامی که پاستور با لباس پلیس در مقابل اعضای کلیسا بایستد. من می توانم چهره های شکه شده ی آنان را تصور کنم ... و یا کسانی که از شدت خنده در زیر نیمکت ها پنهان شده اند. به هر حال به نظر می رسد که لباس های مان به ما شخصیت و بزرگی می بخشند. و نسبت به شرایط از لباسهای دیگری استفاده می کنیم. هنگامی که پولس در نامه ی کولسیان به ما هشدار می دهد که: انسان جدید را بپوشانید! به نظر می رسد به طور ویژه ای به مسیحیت در زندگیمان تاکید دارد. به نظر می رسد پولس در این بخش از نوعی لباس مسیحی صحبت می کند که به طور عجیبی به زندگی مسیحی ما می آید و هر انسانی با اولین نگاه می فهمد که ما مسیحی هستیم. همانطور که انسانها پلیس را از روی یونیفرمش و دکتر را از روی روپوشش می شناسند مسیحیان را نیز از روی یونیفرم خاصی خواهند شناخت! در این صورت گمان می کنم باید دوباره به حرف پولس برگردیم تا آن را بهتر بفهمیم. آیا این ایمان ما چیزی درونی و شخصی نیست؟ از زمان داوود پادشاه نمی دانیم که: یک انسان چیزی که مقابل چشمانش هست را می بیند اما سرورمان قلبمان را می بیند؟ (اول سموئیل باب 16 آیه ی 14) و آیا این بزرگترین بحث میان عیسی مسیح و فریسیان نبود که آنان تنها به ظاهر دیگران دقت می کردند؟ مثل همیشه باید این را از نامه ی کولسیان بپرسیم که چرا پولس در اینجا از راه و روشی مسیحی صحبت می کند که پوشیدنی است و از بیرون قابل مشاهده است؟ اگر ما کسانی که نامه ی کولسیان را نوشته بودند را در مقابلمان داشتیم می توانستیم به منظور پولس کمی نزدیک تر شویم. کولسی در استان فریجیه در ترکیه ی امروزی قرار دارد. کلوسا در وهله ی اول شهر تجاری بسیار مهمی بود. آن در گذرگاهی قرار داشت که شرق و غرب را به هم متصل می کرد. به ویژه در آنجا تاجران پشم و به ویژه پشم های رنگی وجود داشتند. بنابر این از این خصوصیات می توان فهمید که چرا پولس این مساله را از منظر پوشاک مطرح کرده است. اما دلیل دیگری نیز وجود داشته است. به دلیل رفت و آمد زیاد در کلوسا در آنجا ترافیک بزرگی از ادیان وجود داشته است. و مردمان بسیار ثروتمندی و انسانهایی که وقت و ثروت کافی دارند چه کاری انجام می دهند؟ آنان عمدتاً به این فکر نمی افتند که در این زمان به روحشان نگاهی بیاندازند. اینگونه می توان تصور کرد که این اشخاص از طرفی در مورد سحر و جادو در تشریفات مذهبی چینی ها می دانستند. و از طرفی دیگر آنان پی این بودند که برای بحث با عرفان یونانی تنها دو مثال بیاورند. اما همه ی آنان تنها یک کار را انجام می دادند. آنان به درون انسان تمرکز می کردند. جایی که آنان به دنبال روح انسان می گشتند درون او بود. به همین دلیل آنان می بایست مدت طولانی با خود

خلوت می کردند و به خود فکر می کردند تا بتوانند به روحشان نزدیک تر شوند. این نگاه به درون خود در آن زمان سرگرمی این افراد شده بود. ولی هنگامی که پولس می فرماید انسان جدید را بپوشانید ... او جهتی کاملاً متفاوت را مد نظر دارد. او دقیقاً مخالف جهتی که آن ملت به سمت آن می رفتند را می فرماید. ما زندگی را در خود نخواهیم یافت. نه! زندگی جدید اولاً لباسی جدید می خواهد که عیسی مسیح باید آن را به ما هدیه بدهد. بنابر این ما باید جهت دیدمان را عوض کنیم. و در واقع هم اکنون نمی خواهیم کولسیان را زیر ذره بین قرار دهیم بلکه می خواهیم خود را که در سال 2016 گرد هم آمدیم را مورد بررسی قرار دهیم. چیزی که در کولسیان ورزش ملی شده بود امروزه نیز در جامعه ی ما دیده می شود (مدیتیشن). و هنوز هم انسانها زندگی ابدی در خود را از این روش کشف نکرده اند. چیزی که به من احساس خوب می دهد همیشه خوب نیست.

هنگامی که پولس به ما می گوید: انسان جدید را بپوشید! می خواهد ما را از این اشتباه رها کند. او به ما می گوید: احتیاجی نیست که ما به درونمان نگاه کنیم. عیسی مسیح همه چیز را آماده نموده است. اگر صبح بخواهید شلوار و پیراهن بپوشید نیازی نیست ابتدا آنها را بدوزید. آنها برای ما آماده هستند. دقیقاً زندگی ما به عنوان مسیحیان نیز اینچنین است. در کل هیچ چیزی در من وجود ندارد که من به آن نگاه کنم و آدم بهتری شوم. این چنین چیز هایی بیشتر مردم را مریض می کند. اما ما می توانیم به سادگی لباسی که عیسی مسیح برایمان آماده کرده است را بپوشیم. اما برای این کار من خودم باید دست به کار شوم و این لباس را بپوشم. من می توانم آن لباس را به سادگی به گوشه ای بیاورم. و یا چیزی کاملاً نامتناسب بپوشم.

وقتی که ما خود به این لباسها نگاه می کنیم سریع متوجه می شویم که این فضیلتی که در اینجا به شکل لباس تشبیه شده است اصلاً همانند اخلاق انسانها نیست. نه! هر یک از این مسایلی که او در اینجا نام می برد، با عیسی مسیح به صورت نزدیکی متصل هستند. او در اینجا از شفقت قلبی صحبت می کند. در صورتی که عیسی مسیح خود خداوند است هنگام گناه و اشتباه ما را رها نکرد و خود به سوی ما آمد برای نجاتمان. او کاملاً دوستانه سعی کرد به ما نزدیک شود و ما را یاری کند برای رهایی از گناه. او کاملاً متواضع و فروتن بود. عیسی مسیح پسر خداوند خود را به پای رسولش انداخت و پای او را شست. بنابر این میبینیم هنگامی که ما خود به عیسی مسیح ایمان بیاوریم این لباس را دریافت خواهیم کرد. عیسی مسیح توسط غسل تعمید ما را احاطه می کند و در ما وارد می شود.

همه ی اینها نمی گذارند ما در ایمانمان سرد شویم. هنگامی که ما با عیسی مسیح پر شده باشیم قلب هایمان باز می شوند. هنگام مشکلاتمان به درونمان نگاه می کنیم و می بینیم که چه اتفاقی برایمان می افتد. چیزی درونمان در جریان است. پولس آن را اینگونه توصیف می کند: کلام عیسی مسیح در درون ما سکونت دارد و ما از این بابت خوشحالیم و در مورد او و کارهای بزرگی که او برایمان انجام داده است صحبت می کنیم. عیسی مسیح در کلمات خود زندگی می کند. به همین دلیل ما خوشحال می شویم که همیشه کلام او را در مقابل چشمانمان داشته باشیم. بنابر این می توان از پوشیدن در این موعظه پی برد که منظور رشد و رونق کلام او در قلب و در میان خودمان می باشد. و می توان گفت جایی که کلام عیسی مسیح وجود دارد خود او نیز در آنجا هست. و جایی که عیسی مسیح وجود دارد انسان را خود به خود به دعا و ستایش پروردگار می اندازد. کسی که تنها در خود نگاه می کند شور و اشتیاق شعر خواندن برای پروردگار را ندارد اما کسی که به خداوند نگاه می کند خود به خود این حس را از اعماق وجودش به دست می آورد و با عشق برای پروردگار می سراید. هنگامی که برای خداوندان می خوانیم مهم نیست که صدایمان خوب است یا بد و مهم نیست که با گام درست می خوانیم یا غلط. تنها چیزی که می دانیم این است که این شعر از ته قلبمان و برای پروردگارمان می آید. پدر کلیسای آگوستین می گوید: کسی که برای پروردگارش آواز می خواند همانند این می ماند که خداوند را 2 برابر ستایش می کند. در آواز معلوم می شود که ما به پروردگارمان امید و ایمان داریم و او را ستایش می کنیم. و در آواز خواندن معلوم می شود که تا ابدیت نمی خواهیم از او جدا شویم.

آمین.